

ثبت: ۸۱۳
مهر ۱۴۰۱
مسلسل: ۱۸۴۵۴

اظهار نظر کارشناسی درباره:
**«لایحه موافقتنامه تأسیس و چارچوب فعالیت مراکز فرهنگی بین
دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه»**





مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۸۴۵۴

کد موضوعی: ۲۷۰

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: اظهار نظر کارشناسی درباره لایحه «موافقتنامه تأسیس و چارچوب فعالیت مراکز فرهنگی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه»

نام دفتر: مطالعات فرهنگ و آموزش

تهیه و تدوین: ابراهیم غلامپور آهنگر

اظهار نظر کنندگان: حامد سهرابی، محمد آدمی ابرقویی، علی عبدالاحد، طه اکرمی، مصطفی جهانبخش

اظهار نظر کنندگان خارج از مرکز: حجت الاسلام والمسلمین ظرافتی، رضا ملکی، مجتبی دمیرچی لو،

روح اله مدبر، عبدالرضا عباسی، مسعود صادقی

ناظران علمی: موسی بیات، رضا مستمع

ویراستار ادبی: شیوا امین اسکندری

واژه‌های کلیدی:

۱. دیپلماسی فرهنگی

۲. ایران

۳. روسیه

۴. موافقتنامه

۵. مراکز فرهنگی

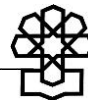


تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۷/۹

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده.....
۱.....	مقدمه.....
۳.....	ارزیابی کلیات.....
۵.....	ارزیابی مواد موافقتنامه.....
۹.....	جمع‌بندی و پیشنهادات.....
۱۰.....	الف) پیشنهادهای اصلاحی.....
۱۱.....	ب) پیشنهادهای تکمیلی.....
۱۱.....	ج) ملاحظات خارج از لایحه.....
۱۲.....	منابع و مأخذ.....
۱۳.....	پیوست.....



اظهار نظر کارشناسی درباره:
«لایحه موافقتنامه تأسیس و چارچوب فعالیت مراکز فرهنگی بین
دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه»

چکیده

«موافقتنامه تأسیس و چارچوب فعالیت مراکز فرهنگی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه» در تاریخ ۲۴ فروردین ۱۴۰۰ توسط وزرای امور خارجه دو کشور در تهران امضا شد و در مسیر طی تشریفات قانونی شدن در دو کشور قرار گرفت. در مجلس یازدهم ماده‌واحد لایحه مربوط به این موافقتنامه در تاریخ ۱۴۰۱/۵/۲ با شماره ثبت ۸۱۳ اعلام وصول شد. تمرکز این موافقتنامه بر ایجاد مراکز فرهنگی دو کشور در سرزمین طرف مقابل است که محور اصلی فعالیت این مراکز بر حوزه‌های فرهنگ، هنر و ادبیات تمرکز دارد. امضای این موافقتنامه و تصویب آن در مجلس شورای اسلامی زمینه مناسبی را برای تعمیق روابط فرهنگی دو کشور با توجه به اهداف و راهبردهای مشترک اقتصادی و سیاسی در سطح بین‌الملل فراهم خواهد آورد. از این جهت، کلیات لایحه مورد تأیید است اما متن این موافقتنامه با توجه به سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و قوانین و مقررات موجود که بر فعالیت مراکز فرهنگی حاکم است، نیازمند اصلاحاتی است تا ابهام‌های موجود در آن رفع شود. ابهام‌هایی در خصوص گستره فعالیت مراکز فرهنگی و مقولاتی که از جانب ایران به‌عنوان رویکرد فرهنگی تلقی می‌شوند؛ نحوه نظارت و مدیریت متولیان مراکز فرهنگی از جانب ایران؛ صلاحیت‌های قانونی برای تفسیر موافقتنامه؛ چگونگی اجرای مفاد موافقتنامه در میان چهار منبع مفاد موافقتنامه، موازین حقوق بین‌الملل، قوانین دولت پذیرنده و یا رفتار متقابل؛ و جوانب حقوق و امتیازات در نظر گرفته شده برای شخصیت حقوقی مراکز. بنابراین پیشنهادهایی برای رفع ابهام‌ها در این گزارش ارائه شده است که می‌توان در قالب تبصره‌هایی به ماده‌واحد اضافه کرد یا با مذاکره مجدد طرفین، موافقتنامه اصلاح شده یا الحاقیه‌ای به آن اضافه شود. همچنین برای تأثیرگذارتر کردن مجلس شورای اسلامی در تشریفات داخلی به‌منظور قانونی شدن موافقتنامه‌ها، برای حضور مؤثرتر در فرایندهای پیش از امضای توافقنامه‌ها و معاهدات نیازمند سازوکار جدید هستیم.

مقدمه

روابط فرهنگی میان مردم ایران و روسیه به‌دلیل همسایگی دو کشور از زمان‌های گذشته در کنار مراودات اقتصادی و اجتماعی رونق داشته است. چنانکه اشتراکات بسیاری در فرهنگ عامیانه میان دو ملت وجود دارد. در کنار معاهدات، توافقات و تفاهات بسیاری که صورت گرفته^۱، روابط فرهنگی میان دو دولت هم‌زمان با امضای موافقتنامه فرهنگی

۱. برخی از این موافقتنامه‌ها: قانون موافقتنامه انتقال محکومین بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه (۱۴۰۰)؛ قانون موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه در زمینه همکاری و کمک متقابل اداری در امور گمرکی (۱۳۹۵)؛ قانون

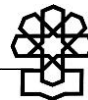
رسمیت یافت. این موافقتنامه در تهران و در تاریخ سی‌ویکم مردادماه سال ۱۳۴۵ برابر با بیست‌ودوم ماه اوت سال ۱۹۶۶ امضا شد و در سال ۱۳۴۶ در مجلس شورای ملی به تصویب نمایندگان رسید. در پی این توافقات مراودات بسیاری از طرق رسمی میان دو کشور شکل گرفت. پس از انقلاب شکوهمند اسلامی و حتی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی این روند مسیر خود را طی کرد. این روابط تا آنجا پیش رفت که مراودات فرهنگی دو کشور در سال ۱۳۷۸ به سطح رایزنی فرهنگی نیز ارتقا پیدا کرد و در سال ۱۳۹۵ طی همایشی ۵۱۵ سالگی (به میزبانی مرکز مطالعات وزارت خارجه کشورمان) روابط ایران و روسیه با حضور مقامات، کارشناسان و متولیان دو طرف به بحث و گفتگو گذاشته شد. در این مدت فعالیت‌هایی چون ایجاد کرسی‌های ایرانشناسی، مطالعات روسیه، زبان فارسی و روسی در دانشگاه‌های دو کشور؛ تبادلات استاد و دانشجو؛ برگزاری هفته‌های فرهنگی و هنری؛ تبادلات گردشگر؛ چاپ و توزیع کتاب؛ برگزاری گفتگوهای میان ادیان اسلام و مسیحیت ارتدوکس؛ برگزاری نشست‌های مختلف فرهنگی؛ تبادلات سینمایی و تئاتری؛ «خواهرخواندگی»های مختلف؛^۱ ایجاد انجمن‌ها یا گروه‌های دوستی؛ و مانند آنها بین دو کشور در جریان است.

این مراودات از چند عامل نشئت گرفته است:

- سابقه تاریخی روابط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی میان عامه مردم و همچنین دولتمردان دو کشور با یکدیگر.
- اهمیت یافتن دیپلماسی فرهنگی برای دو کشور طی سالیان اخیر برای عمق بخشیدن به روابط اقتصادی و سیاسی فیما بین به دلیل داشتن اشتراکات در منافع داخل و خارج از مرزهای دو کشور. روسیه، به‌خصوص پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، این رویکرد را بیشتر تقویت کرده است. در این باره یک پژوهشگر ایران‌شناس روسی (دونا یووا) که سال‌های زیادی در حوزه مسائل سیاسی ایران به پژوهش پرداخته است، متذکر شده که «روسیه در اواخر دهه ۹۰ میلادی به این نتیجه رسید که نقش بین‌المللی خود را باید تقویت کند و برای بازیابی جایگاه جهانی خویش تلاش کند. در این راستا ارتباط با ایران به‌عنوان قدرت منطقه و نماینده جهان اسلام، برای روسیه بیش از گذشته اهمیت پیدا کرد. بنابراین ایران در رویکرد (پارادایم) اوراسیاگرایی روسیه، به‌عنوان یکی از اولویت‌های اصلی مورد توجه قرار گرفته است. روسیه هیچگاه نقش ایران در حل مسائل و منفعت مسکو در رابطه با ایران را فراموش نمی‌کند».^۲
- وجود اشتراک راهبردی در مواجهه با فرهنگ‌های معارض و بیگانه؛ خصوصاً فرهنگ غربی همواره یکی از مسائل و چالش‌های اصلی سیاستگذاری فرهنگی در دو کشور بوده است.

موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه و تشریفات (پروتکل) آن (۱۳۹۵)؛ قانون موافقتنامه همکاری بین وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران و وزارت کشور فدراسیون روسیه (۱۳۹۲)؛ قانون معاهده اساس روابط متقابل و اصول همکاری بین جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه (۱۳۸۰)؛ قانون موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه جهت معاضدت در پرونده‌های مدنی و جزایی (۱۳۷۸)؛ قانون موافقتنامه همکاری‌های علمی و فناوری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه (۱۳۷۹)؛ قانون موافقتنامه همکاری‌های بازرگانی و اقتصادی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه (۱۳۷۶)؛ قانون عهدنامه راجع به توسعه همکاری اقتصادی و فنی بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (۱۳۵۲)؛ قانون موافقتنامه همکاری علمی و فنی بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت شاهنشاهی ایران و دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (۱۳۵۰)؛ قانون موافقتنامه بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی درباره همکاری اقتصادی و فنی به‌منظور ایجاد تأسیسات ذوب‌آهن و کارخانه ماشین‌سازی و نصب لوله گاز در ایران و واگذاری اعتبار برای این مقاصد (۱۳۴۴)؛ قانون تصویب عهدنامه اقامت و تجارت و بحریمایی منعقد بین دولت ایران و دولت اتحاد جماهیر شوروی (۱۳۱۴)؛ قانون اجازه مبادله قرارداد عبور و مرور سکنه قراء سرحدی ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (۱۳۰۷)؛ قانون اجازه مبادله عهدنامه دوستی منعقد بین دولتین ایران و جمهوری شوروی روسیه (۱۳۰۰)؛ و ...

۱. به‌عنوان مثال، میان ۱۲ دانشگاه دو کشور، میان خانه کتاب ایران با یکی از ناشران بزرگ روسیه، میان بندر آستارا با آستراخان روسیه.
 ۲. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/11/13/1314272>



• نبود یکجانبه‌گرایی فرهنگی: روابط فرهنگی دو کشور بر مبنای غلبه یکی بر دیگری نیست. هر دو کشور تا حدودی دارای گرایش‌های ملی‌گرایانه فرهنگی هستند، اما به افراط منجر نشده است، که این خود زمینه نزدیکی دو فرهنگ را فراهم می‌کند.

با این اوصاف، در سال‌های اخیر، شرایط سیاسی حاکم بر دو کشور و الزامات ناشی از رویدادهای منطقه‌ای و بین‌المللی جدید باعث شده مسیر ارتباطی میان ایران و روسیه پرتدد شود. در این خصوص، مراودات فرهنگی کمتر صورت پذیرفته بود و با توجه به اهمیت ایجاد خطوط گسترده‌تر ارتباطات فرهنگی عقد موافقتنامه‌ای در این زمینه در دستور کار قرار گرفت. در این دور از توافق ایجاد «مرکز فرهنگی» محوریت یافت. لذا «موافقتنامه تأسیس و چارچوب فعالیت مراکز فرهنگی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه» در تاریخ ۲۴ فروردین ۱۴۰۰ توسط وزرای امور خارجه دو کشور در تهران به امضا رسید و در مسیر قانونی شدن در دو کشور قرار گرفت. در مجلس یازدهم ماده‌واحد لایحه مربوط به این موافقتنامه در تاریخ ۱۴۰۱/۵/۲ با شماره ثبت ۸۱۳ در مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شد. این موافقتنامه مشتمل بر یک مقدمه و هجده ماده (ذیل متن موافقتنامه) است.

ارزیابی کلیات

همان‌گونه که در مقدمه لایحه بیان شده این موافقتنامه «به‌منظور تقویت روابط فرهنگی، دولتی و همکاری متقابل»، «از طریق تأسیس و فعالیت مراکز فرهنگی در دو کشور» با «اجرای برنامه‌های همکاری دوجانبه در زمینه‌های بشردوستانه، فرهنگی، علمی و فنی، اطلاع‌رسانی» و «حمایت از هموطنان خارج از کشور» و «استفاده از ظرفیت مراکز» تدوین شده است. رویکرد بیان شده در مقدمه به مفاد موافقتنامه نزدیک است.

برخی مفاد این موافقتنامه در امتداد توافقات فرهنگی پیشین دو کشور است. چنانکه در قانون موافقتنامه فرهنگی سال ۱۳۴۶، بر مبادلات در زمینه فرهنگ و آموزش؛ توسعه تماس‌های بین دانشمندان هر دو کشور؛ مبادلات در رشته‌های تئاتر، موسیقی، اپرا و انواع دیگر هنر؛ ترتیب نمایشگاه‌های هنری، علمی، اشیای موزه‌ها و عکس‌های مربوط به این قبیل امور؛ مبادله فیلم‌های هنری و علمی؛ مبادله صفحات گرامافون و نوارهای ضبط صوت موسیقی ملی کلاسیک و معاصر و پخش آنها به وسیله رادیوهای هر دو کشور؛ توسعه مبادله کتاب‌ها، مجلات و سایر نشریات علمی و فنی و فرهنگی؛ توسعه روابط ورزشی و تشویق فعالیت‌های انجمن‌های روابط فرهنگی یکدیگر، تأکید شده است. همچنین با توجه به مواد (۸) و (۹) «معاهده اساس روابط متقابل و اصول همکاری بین جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه» (مصوب مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰) بر فراهم آوردن تماس‌های گسترده و نزدیک بین مردم دو کشور؛ گسترش همکاری بین سازمان‌های اجتماعی، بنیادها، سازمان‌های مذهبی و تشکل‌های اجتماعی جوانان، زنان و غیره؛ تسهیل در ارائه روایید برای شهروندان در چارچوب تماس‌های توریستی، اقتصادی، تجاری، علمی، فناوری و فرهنگی؛ مساعدت در گسترش هرچه بیشتر همکاری‌ها در زمینه فرهنگ، علوم، تحصیلات، هنر، جهانگردی، ورزش و سایر زمینه‌های انسان‌دوستانه؛ تشویق تماس‌های مستقیم بین دانشگاه‌ها، مراکز علمی، فرهنگی و مذهبی، موزه‌ها، کتابخانه‌ها، مراکز اسناد و همچنین سازمان‌هایی که در امور علمی، فرهنگی و هنری فعالیت دارند؛ همکاری در زمینه

چاپ و انتشارات و مبادله اطلاعات میان ادارات خدمات خبری و اخبار و رسانه‌های گروهی؛ و تشویق آموزش زبان فارسی در روسیه و زبان روسی در ایران، تأکید شده است.

از این حیث موافقتنامه حاضر، یک گام رو به جلو به شمار می‌آید و بر ایجاد مرکز فرهنگی و چارچوب فعالیت‌های آن متمرکز است که این امکان با توجه به سوابق روابط فرهنگی طرفین از چند جهت حائز اهمیت است:

- با ایجاد یک مرکز فرهنگی، فرصتی ایجاد خواهد شد تا فعالیت سایر مؤسسه‌های فرهنگی کشورمان، و همچنین کشور روسیه، تحت مدیریت واحد به فعالیت‌های خود در همه شهرهای دو کشور ادامه یابد و از پشتیبانی دیپلماتیک برخوردار شوند. چنانکه می‌دانیم در حال حاضر چند شخصیت حقوقی فرهنگی^۱ از جانب ایران در مسکو فعالیت دارند. این اشخاص حقوقی ذیل سفارت ایران در روسیه به دلیل محدودیت‌های دیپلماتیک، امکان فعالیت جغرافیایی کمی را در فدراسیون روسیه دارند. اما با راه‌اندازی مرکز فرهنگی ایران در مسکو و فرصت ایجاد شعب مختلف آن در سطح کشور روسیه (وفق بند «۲» ماده (۱) موافقتنامه)، این اشخاص در گستره بیشتری می‌توانند فعالیت فرهنگی داشته باشند. البته این حق برای طرف روسی هم در نظر گرفته شده است.

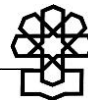
- با ایجاد مراکز فرهنگی و فعالیت‌های مؤثر آنها می‌توان انتظار داشت که روابط دوجانبه گسترش بیشتری پیدا کند و پایداری نسبی ایجاد شود؛ چراکه گسترش روابط فرهنگی که در بلندمدت بر ارزش‌ها و نگرش‌های مردم تأثیرگذار باشد، در ایجاد وجوه ارتباطی غیرسیاسی بین دو ملت و به تبع دولت‌هایشان نقش اصلی را ایفا کند.

- در حال حاضر روابط دو دولت ایران و روسیه غالباً مبتنی بر ارتباطات نظامی و امنیتی است. از این رو برای اینکه توازن مناسبی در این روابط ایجاد شود، گسترش روابط فرهنگی به عنوان عامل زمینه‌ای، ضرورت می‌یابد. روابط فرهنگی به دلیل غلبه روابط مردمی بر روابط دولت‌ها باعث می‌شود روابط دو کشور تأثیرپذیری کمتری از تکانه‌های داخلی و خارجی داشته باشد.

- توسعه همکاری‌های راهبردی به خصوص در زمینه روابط سیاسی و امنیتی، امری است که در صورت همراهی آن با سایر حوزه‌ها از جمله در حوزه فرهنگ، می‌تواند موفقیت بیشتری داشته باشد. لذا موافقتنامه می‌تواند به عنوان بستری جهت تحقق این امر و همکاری‌های گسترده دو کشور در جهت مقابله با سیاست‌های خصمانه غرب و همچنین نمودی از دیپلماسی عمومی فعال دو دولت به شمار آید.

- دولت روسیه، مانند هر کشوری در پی به‌سازی تصویر خود در سطح جهان است. روابط فرهنگی می‌تواند آورده بیشتری برای این کشور فراهم آورد. در این شرایط ایران نیز می‌تواند با توجه به پویایی و غنای بسیاری که در فرهنگ خود دارد، از این اقبال طرف مقابل بهره‌جسته و سطح تأثیرگذاری بیشتری در کشور روسیه به خصوص میان مسلمانان روسی داشته باشد.

۱. مانند جامعة المصطفی العالمیه، مرکز اسلامی، بنیاد مطالعات اسلامی.



ارزیابی مواد موافقتنامه

در ابتدای این بخش تذکر این نکته ضروری است که براساس اصول هفتادوهفتم و یکصدوبیستوپنجم قانون اساسی، عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقتنامه‌های میان ایران و سایر کشورها جهت قانونی شدن لازم است به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. با توجه به اینکه معاهدات و توافقنامه‌ها پیش از ارائه به مجلس، توسط نمایندگان دولت و کشور(های) مقابل طی جلسات متعدد کارشناسی تنظیم و توافق می‌شود، عموماً امکان بازنگری متون آنها به راحتی میسر نیست؛ چراکه این اسناد در فرایند قانونی شدن کشور مقابل هم عیناً به تصویب می‌رسد و تغییر در مفاد آن نیازمند توافقی مجزا خواهد بود. از این رو، بررسی صورت گرفته در این بخش بیشتر معطوف به جلب توجه قانونگذار به ابعاد مواد این موافقتنامه است. هرچند حق قانونگذارانه برای تصویب یا عدم تصویب کلیات موافقتنامه و یا درخواست الحاقیه یا اصلاحیه محفوظ خواهد بود.

ماده (۱)

در بند «۲» این ماده که تأسیس دفاتری ذیل مرکز فرهنگی در سایر شهرها را میسر می‌سازد، این نقصان وجود دارد که با توجه به تصریح صورت گرفته بر عبارت «سایر شهرها»، فرصت استفاده از وسعت و جمعیت پایتخت روسیه برای فعالیت بیشتر در مرکز فرهنگی ایران (مصرح در بند «۱») گرفته می‌شود. این در حالی است که پایتخت‌ها ظرفیت‌های کافی دارند تا بتوان دفاتری با کارکردهای متنوع در نقاط مختلف آن مستقر کرد. به‌عنوان مثال با تأسیس مرکز ایران در پایتخت روسیه، تکلیف سایر مراکزی که هم‌اکنون در حال فعالیت در مسکو هستند، مشخص نمی‌شود و حتی در هاله‌ای از ابهام باقی می‌ماند (نظیر جامعه المصطفی)؛ کمااینکه ممکن است طرف روسی با توجه به تأکید بند «۱» مبنی بر ایجاد (یک) مرکز، درخواست تعطیلی و یا تجمیع سایر مراکز کشور ما را در پایتختش داشته باشد.

به‌ترتیب بند «۳» این موافقتنامه مبنای فعالیت مراکز فرهنگی، موازین حقوق بین‌الملل و قوانین دولت پذیرنده در نظر گرفته شده است. با توجه به اینکه دو دولت از نظر ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی قوانین خاص خود را دارند، این امکان وجود دارد اختلاف‌هایی در اجرای برخی از برنامه‌ها ایجاد شود. ممکن است میان قوانین دولت پذیرنده با قوانین بین‌المللی نیز مغایرت وجود داشته باشد. به‌علاوه برخی از مفاد قانون موافقتنامه فرهنگی مصوب سال ۱۳۴۶، به‌عنوان یکی از اسناد مورد توجه در این موافقتنامه، با ارزش‌های دینی و سیاست‌های فرهنگی پس از انقلاب اسلامی همخوانی ندارند. از این جهت در همین ابتدا به‌صراحت تعیین تکلیف شود که مراکز فرهنگی تا چه اندازه آزادی عمل دارند و در صورت بروز اختلاف کدام سند باید مورد استناد طرفین قرار گیرد. اگرچه در ماده (۱۷) همین موافقتنامه سازوکار حل اختلاف مشخص شده باین حال صراحت در چنین موادی که شاید اختلاف‌زا و مبهم باشند، ضروری است.

در همین بند (یعنی بند «۳») عبارت «موازین حقوق بین‌الملل» مبهم است. از این نظر لازم بود تا به‌صورت مشخص برخی از اصول مسلم حقوق بین‌الملل از جمله «رعایت نظم عمومی کشور پذیرنده»، «احترام به حاکمیت دولت پذیرنده» و ... درج می‌شد. مضافاً اینکه متن انگلیسی موافقتنامه از تعبیر «norms of international law» که معادل «هنجارها/قواعد حقوق بین‌الملل» است استفاده کرده و لذا ترجمه دقیقی نیز از متن انگلیسی به‌عمل نیامده است.

ماده (۲)

در بند «۲» این ماده سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی جمهوری اسلامی ایران مدیریت این مرکز را برعهده خواهد داشت. حجم فعالیت‌هایی که برای این مرکز در نظر گرفته شده، بسیار متنوع و گسترده است که حتی داخل کشور چند وزارتخانه و نهاد برای آنها تعیین شده‌اند. از این نظر هماهنگی با سایر نهادها و وزارتخانه‌هایی که موضوع فعالیت آنها در این موافقتنامه آمده است؛ مانند، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت ورزش و جوانان، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، سازمان تبلیغات اسلامی، بنیاد سعدی و غیره بسیار ضروری است.

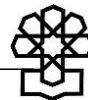
نکته دیگر اینکه، باید منظور از «نظارت کلی» و «مدیریت» و حیطه‌های عمل آنها در بندهای «۱» و «۲» این ماده در خصوص تفکیک وظایف نمایندگی دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی مشخص شود تا در صورت بروز اختلاف، مشکلی برای فعالیت مرکز در راستای اجرای این لایحه پیش نیاید.

ماده (۳)

در این ماده از این جهت که اختیارات درخور و گسترده‌ای برای مراکز جهت تعامل و همکاری با نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی کشور پذیرنده در نظر گرفته شده، قابل توجه است. اما باید ضمن استفاده از این فرصت، احتیاط‌های لازم را هم در نظر گرفت تا میزان چالش‌های امنیتی و اجتماعی را به حداقل ممکن رساند.

ماده (۴)

در جمهوری اسلامی ایران «ضوابط و مقررات تأسیس مراکز، مؤسسات، کانون‌ها و انجمن‌های فرهنگی و نظارت بر فعالیت‌های آنها» (مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۵/۶/۲۷) مهم‌ترین مقررره مربوط به تأسیس مراکز فرهنگی است. بر مبنای ماده (۴) مصوبه مذکور، آیین‌نامه‌ای تحت عنوان «آیین‌نامه اجرایی تأسیس مراکز، مؤسسات، کانون‌ها و انجمن‌های فرهنگی و هنری خارجیان مقیم ایران» (مصوب هیئت وزیران، ۱۳۸۱/۴/۱۲) وجود دارد که در آن تصریح شده مجوز تأسیس مراکز و مؤسسات فرهنگی و هنری برای اشخاص حقوقی یا حقیقی خارجی «صرفاً به منظور آشنا ساختن ایرانیان با زبان و فرهنگ و هنر آن کشور و معرفی مظاهر و علائق مشترک فرهنگی اتباع دو کشور در حوزه تمرکز تحقیقات پیرامون مطالعات مربوط به فرهنگ و تاریخ ایران با تصویب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی براساس ضوابط و مقررات جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌نمایند». با این اوصاف، موافقتنامه پیش رو که با تصویب مجلس شورای اسلامی، قانون می‌شود، به لحاظ تقدم و جایگاه مشروعیت، بر این مصوبه اولویت خواهد داشت. نکته اینکه، براساس ماده (۳) این موافقتنامه تصریح شده که مطابق قوانین دولت پذیرنده از «حقوق شخصیت حقوقی» برخوردار می‌شود. اما از آنجایی که در کشورمان در کنار تکالیف فرهنگی، حقوق و امتیازاتی (مانند معافیت‌های مالیاتی، ارائه کمک‌های بلاعوض و ...) هم برای اشخاص فائلیم و نیز فعالیت‌های گسترده‌تری برای این مراکز فرهنگی در نظر گرفته شده (به نسبت آنچه که در آیین‌نامه مصوب ۱۳۸۱ ذکر شد)، باید نسبت به رفع ابهام در حقوق و تکالیف مراکز فرهنگی منبعث از چنین موافقتنامه‌هایی اقدام حقوقی و قانونی لازم صورت پذیرد؛ چراکه شرایط در نظر گرفته شده برای تأسیس در مصوبات و مقررات موجود در مقابل این موافقتنامه بی‌اثرند.



مواد (۵) و (۶)

این مواد مجموعه‌ای از وظایف و فعالیت‌هایی که مراکز دوجانبه می‌توانند انجام دهند را برشمرده است. عمده وظایفی که احصا شده مربوط به فرهنگ، هنر و ادبیات است. بخش اندکی نیز به تبادلات آموزشی اشاره دارد. در فعالیت‌های فرهنگی و هنری هم به سینما، تئاتر، عکس، کتاب، داستان، زبان، اطلاع‌رسانی، تلویزیون و فضای مجازی اشاره‌هایی شده است. این در حالی است که مراکز فرهنگی در این سطح، حداقل از زاویه سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، از گستره فعالیت بیشتری برخوردارند. مقولاتی چون دین و تبلیغ (به‌خصوص برای ایرانیان مقیم در روسیه) و اجرای مناسک و آیین‌های مذهبی و ملی، گردشگری، ورزش، رسانه و ... در این مواد به‌طور کامل دیده نشده است. در ماده (۶) که مصادیقی از فعالیت‌ها ذکر شده از مقولات مذکور چیزی ارائه نشده است. برای مقوله مهمی چون رسانه تنها در بند (۸-۱) ماده (۵) به سازماندهی خبری، تبلیغی و آموزشی در زمینه‌های فرهنگ، هنر و ادبیات اشاره شده و در ماده (۶) به «استفاده از ظرفیت فضای مجازی» اکتفا شده است.

در بند (۱۶-۱) ماده (۶) به «فعالیت‌های دیگر» در راستای اهداف مراکز طبق قوانین دولت پذیرنده اشاره شده که به‌نظر می‌رسد می‌توان از این بند برای سایر مقولات فرهنگی امکان فعالیت فراهم کرد. اما باید به این نکته توجه شود که آنچه به‌عنوان اهداف مراکز یادشده در هیچ‌کجای توافقنامه نیامده تا قرار باشد در راستای آن فعالیت‌های دیگر سازماندهی شوند. از این‌رو، ممکن است محدودیتی برای سایر مقولات فرهنگی به جهت عدم احصای آنها پدید آید. همچنین در ماده (۶) متن انگلیسی موافقتنامه از تعبیر «shall» استفاده شده است اما در ترجمه فارسی آن کلمه «باید» عنوان نشده است. هرچند جملات خبری در سیاق قانونگذاری بار معنای الزام دارند اما با توجه به اینکه ماهیت این موافقتنامه، ایجاد بستر برای همکاری است لذا لازم بود تا برای نشان دادن ماهیت سخت مفاد آن، تعبیر «باید» در صدر ماده در متن فارسی نیز حفظ می‌شد. مضافاً اینکه برخی از بندهای این ماده به‌صورت مستقبل معنی شده است که ناشی از عدم ذکر «باید» در صدر ماده مذکور است. علاوه بر این موارد، از منظر تدوین متن مشخص نیست که چرا درحالی‌که شقوق مختلف مندرج در این ماده تحت یک بند فرعی عنوان شده است از شماره‌گذاری برای بند کلی تحت شماره (۱) استفاده شده است درحالی‌که بند (۲) در این ماده وجود ندارد.

ماده (۷)

عبارت «تا حد امکان» در بند «۱» این ماده بسیار مبهم است و بیشتر شبیه تعارفات عامیانه است. درحالی‌که این سند حقوقی باید قطعیت دسترسی را اعلام دارد و اگر ملاحظات وجود دارد، در متن تصریح کند؛ چراکه به‌منظور نظارت بر فعالیت‌ها و رویدادهای مراکز فرهنگی در راستای تأمین منافع و امنیت ملی، باید مبانی حقوقی لازم به توافق طرفین برسد.

ماده (۸)

در جزء (۲-۱) عبارت «و فعالیت‌های دیگر» بسیار کلی و مبهم است زیرا هیچ‌کدام برای آن در نظر گرفته نشده و ممکن است فعالیت‌هایی اجرا شود که با قوانین دولت پذیرنده متضاد باشد. مثل اکران عمومی فیلم که برای مرکز درآمدزاست اما با قوانین حاضر در ایران در تضاد است.

در خصوص درآمدزایی و هزینه‌کرد آنها باید مراکز فرهنگی را تابع قوانین و مقررات دولت اعزام کننده کرد. لذا در مورد مرکز فرهنگی ایران باید قید شود که تابع قوانین مالی و بودجه کشور است. حتی در این زمینه باید به ثبت درآمد قابل پیش‌بینی (چنانچه در حد قابل قبولی بود) در ردیف بودجه مربوط به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی-سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی توجه داشت.

ماده (۹)

ابهامی که در این ماده وجود دارد به تقابل «اصل رفتار متقابل و قوانین دولت پذیرنده» بازمی‌گردد. چنانکه در ایران، به‌عنوان دولت پذیرنده، متقاضیان مراکز فرهنگی و هنری به دریافت مجوز از اداره اماکن نیروی انتظامی ملزم هستند.^۱ از این رو براساس «قوانین دولت پذیرنده» دولت روسیه برای جایابی مرکز خود باید تابع این مقررات باشد. در مقابل، اگر چنین رویه‌ای برای صدور مجوز مکان ایجاد مرکز فرهنگی، در قوانین و مقررات کشور روسیه نباشد و ایران مرکز خود را بدون گرفتن مجوزی در آنجا ایجاد کند، طبق اصل رفتار متقابل دولت روسیه می‌تواند مطالبه چنین رفتاری را برای ایجاد مرکز خود در ایران کند. در چنین وضعیتی تکلیف چیست؟ عکس این قضیه هم صادق است و ممکن است در مواردی دیگر برای ایران در روسیه اتفاق بیافتد.

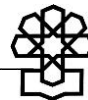
مواد (۱۰)، (۱۱)، (۱۲)، (۱۴)، (۱۵) و (۱۶)

به امور مربوط به کارکنان مراکز پرداخته شده که به دلیل قرابت موضوعی می‌توانند در هم ادغام شوند. اما با توجه به اینکه در بند «۲» ماده (۱۱) به برخورداری رؤسای مرکز و معاونان آنها از وضعیت دیپلماتیک اشاره دارد، ضروری است به‌منظور حفظ امکان کنترل و نظارت کشور بر فعالیت‌ها و اقدامات مراکز فرهنگی و کارکنان آنها، این بند اصلاح شود. اعطای چنین امتیازی به کارکنان ارشد مرکز فرهنگی، به‌خصوص با توجه به سایر امتیازات و اختیاراتی که در مواد دیگر لایحه به آنها داده شده است، می‌تواند به عدم امکان پیگیری قانونی در صورت ارتکاب هرگونه جرم و خطایی از سوی آنها منجر شده و هزینه برخورد قانونی با آنها، به‌دلیل مصونیت دیپلماتیک اعطا شده، افزایش یابد. این امر ممکن است به افزایش اختیار عمل این افراد، احتمال تسری مصونیت دیپلماتیک افراد به مرکز فرهنگی و احتمال سوءاستفاده از این مصونیت با هدف ایجاد چالش امنیتی منجر شود.

ماده (۱۳)

ابهام موجود در این ماده به موضوع «ضروری» بودن «وسائل وارد شده» بازمی‌گردد. در این ماده آمده «وسائل وارد شده به شرط تعهد به برگشت آنها معاف از پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی» خواهد کرد، مشروط بر اینکه وسایل وارد شده برای انجام فعالیت‌های مرکز به موجب موافقتنامه ضروری باشد. لذا این ابهام وجود دارد مرجعی که باید «به موجب موافقتنامه» ضروری بودن ورود این وسائل را تشخیص دهد، مشخص نشده است.

۱. آیین‌نامه اماکن عمومی، مصوب ۱۳۶۳/۳/۲۲ هیئت وزیران.



ماده (۱۷)

ابهام این ماده مربوط به «اختلاف نظر در تفسیر» موافقتنامه است. این موافقتنامه طبق اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی به عنوان یک قانون عادی به شمار خواهد آمد. این ماده موافقتنامه مقرر داشته که «اختلاف نظر در تفسیر»، «با مذاکره بین طرف‌ها از طریق مجاری دیپلماتیک حل و فصل خواهد شد». اما از آنجاکه تفاسیر در حکم متن موافقتنامه است، بنابراین طبق اصل هفتاد و هفتم باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. نکته دیگر به اختلاف‌های احتمالی پیرامون دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی است. چنانچه سازوکار موجود به تصویب برسد باید به این اصل قانون اساسی توجه کرد:

اصل یکصد و سی و نهم: «صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد، موکول به تصویب هیئت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند».

لذا باید در نظر داشت که رعایت اصل یکصد و سی و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای حل و فصل اختلاف‌ها پیرامون مسائل بین دو دولت، لازم‌الاجرا شود.

جمع‌بندی و پیشنهادها

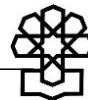
تلاش برای توسعه روابط به خصوص در حوزه فرهنگ، نشان از عزم دو کشور ایران و روسیه برای تعمیق مناسبات فی مابین است. روابط فرهنگی به عنوان زیرساخت اصلی تداوم ارتباطات دولت‌ها به شمار می‌آید زیرا در این روابط عنصر اصلی و نقش‌آفرین ملت‌ها هستند و از آنجایی که غالباً دولت‌ها و رویکردها تغییر می‌کنند، با این وجود حلقه ارتباط حفظ خواهد شد. اینک که دو دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه برای اهداف بلندمدت خود در پی ایجاد مراکز فرهنگی در سرزمین کشور مقابل هستند، با توجه به موقعیت راهبردی حال حاضر در جهان و منطقه، این رابطه نه تنها از بعد فرهنگی بلکه از نقطه نظر اقتصادی و سیاسی نیز حائز اهمیت است. از این نظر این موافقتنامه را باید نقطه عطفی برای گسترش مناسبات دو کشور و زمینه‌ای برای دستیابی به اهداف راهبردی در آینده به شمار آورد. لذا کلیات لایحه مورد تأیید می‌باشد. منتها مقتضی است ابهام‌ها و ایرادهای آن از جمله چگونگی اجرای مفاد موافقتنامه در میان چهار منبع مفاد موافقتنامه، موازین حقوق بین‌الملل، قوانین دولت پذیرنده و یا رفتار متقابل؛ و جوانب حقوق و امتیازات در نظر گرفته شده برای شخصیت حقوقی مراکز، با پیشنهادهایی که در ذیل آمده، برطرف شود.

اما از آنجایی که این موافقتنامه به امضای نمایندگان دو دولت رسیده و باید تشریفات قانونی خود را در داخل نظام قانونگذاری هر کشور طی کند، بر مبنای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران لایحه ارسالی از سوی دولت در حال حاضر در مجلس شورای اسلامی در دست بررسی است. ارزیابی کارشناسی در این گزارش نشان داد ابهام‌هایی در برخی مواد لایحه مزبور وجود دارد که باید مورد توجه قانونگذاران قرار گیرد. بر مبنای این ابهام‌ها و نواقص، پیشنهادهایی در چند سطح به شرح زیر ارائه می‌شود. البته باید توجه داشت که این پیشنهادها مورد توافق طرف روس هم باشد و یا طی الحاقیه‌ای بر موافقتنامه مجدد به توافق طرفین برسد.

الف) پیشنهادهای اصلاحی

در کنار ابهام‌هایی که در متن گزارش اشاره شد، چند پیشنهاد مشخص ارائه می‌شود:

- ماده (۱) بند «۲» اضافه کردن عبارت «پایتخت و» پس از «تأسیس دفاتر محلی مراکز در»
- ماده (۵) جزء (۴-۱) جایگزین شدن عبارت «فرهنگی، هنری، ادبی، علمی، گردشگری و رسانه‌ای» به جای «فرهنگ، هنر و ادبیات»
- ماده (۵) جزء (۵-۱) جایگزین شدن عبارت «مساعدت به یادگیری زبان فارسی در روسیه و زبان روسی در ایران» به جای «ارتقای مطالعه زبان مردمان و دولت‌های پذیرنده»
- ماده (۶) جزء (۲-۱) حذف عبارت «تحقیق در زمینه» از ابتدای بند
- ماده (۶) حذف جزء (۱۶-۱) یا رفع ابهام در خصوص «فعالیت‌های دیگر» و احصای فعالیت‌ها
- ماده (۷) بند «۱» حذف عبارت «تا حد امکان» و اضافه کردن عبارت «بر مبنای قوانین دولت پذیرنده و رفتار متقابل».
- ماده (۸) جزء (۲-۱) حذف عبارت «و فعالیت‌های دیگر».
- ماده (۹) بند «۱» عبارت «اصل رفتار متقابل» حذف شود.
- ماده (۱۳) تعیین مرجع رسمی تشخیص ضروری بودن ورود وسائل ضروری (وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و یا سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی)
- به ماده (۱۷) تبصره ذیل الحاق شود:
- «رعایت اصول هفتاد و هفتم (۷۷)، یکصد و بیست و پنجم (۱۲۵) و یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در اجرای این موافقتنامه الزامی است».
- پیشنهاد می‌شود:
- اگر مذاکره مجددی برای اصلاح موافقتنامه حاضر یا اضافه شدن الحاقیه به آن صورت بگیرد؛ ماده مستقلاً با مضمون زیر درج شود:
- هریک از طرفین حق امتناع از اجرای درخواست‌ها یا فعالیت‌های مراکز و دفاتر فرهنگی طرف دیگر را در موارد زیر دارد:
- به مخاطره افتادن امنیت و یا حاکمیت ملی طرف پذیرنده،
- به مخاطره افتادن امنیت عمومی یا منافع ملی یا سایر منافع حیاتی طرف پذیرنده،
- در تضاد بودن با قوانین و یا مقررات داخلی طرف پذیرنده.
- اگر مذاکره مجددی صورت نپذیرد، پیشنهاد می‌شود تبصره‌ای با مضمون زیر به ماده واحد اضافه شود:
- «تبصره: جمهوری اسلامی ایران حق امتناع از اجرای درخواست‌ها یا فعالیت‌های مراکز و دفاتر فرهنگی دولت فدراسیون روسیه را در موارد زیر دارد:
- به مخاطره افتادن امنیت و یا حاکمیت ملی کشور،
- به مخاطره افتادن امنیت عمومی یا منافع ملی یا سایر منافع حیاتی کشور،
- در تضاد بودن اجرای درخواست با قوانین و یا مقررات داخلی کشور»



ب) پیشنهادهای تکمیلی

در اینجا پیشنهادهایی هم در راستای رفع ابهام و برای تغییر در متن موافقتنامه، با توجه به رویکردهای فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران ارائه می‌شود:

- رفع ابهام از طریق انتخاب قطعی و صریح یا در اولویت قرار دادن مواردی که مبانی حقوقی اجرا را موازین حقوق بین‌الملل، قوانین دولت پذیرنده و یا رفتار متقابل قرار داده است، از این جهت پیشنهاد می‌شود قوانین دولت پذیرنده مبنای اجرا تعیین شود،

- رفع ابهام درخصوص «نظارت» و «مدیریت» با تبیین وظایف و حیطه‌های عمل هریک از متولیان تعیین شده در پیش‌برد امور مرکز فرهنگی ایران در روسیه (وزارت امور خارجه و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی)،

- توجه به ابعاد جنگ نرم و چالش‌های امنیتی و اجتماعی ناشی از اختیارات داده شده در لایحه به مرکز فرهنگی روسیه در ایران،

- اصلاح و بازنگری قوانین و مقررات داخلی با محوریت «حقوق شخصیت حقوقی» خارجی در ایران،

- لزوم تأکید بر همکاری‌های علمی دانشگاهی در حوزه اسلام‌شناسی جهت تبیین اسلام عقل‌گرا و فطرت‌پذیر و مشارکت در آموزش اسلامی با مراکز آموزشی مسلمانان مانند دانشگاه اسلامی قازان، ایران‌شناسی، شرق‌شناسی و فناوری،

- توجه به تأسیس اداره پیروان اهل‌بیت در روسیه،

- لزوم حمایت از تأسیس بنیاد فرهنگی خزر.

ج) ملاحظات خارج از لایحه

یکی از اشکال‌های اساسی که بر وضعیت موافقتنامه‌های دو یا چندجانبه در کشور ما وجود دارد، این است که با وجود موافقتنامه‌های متعدد، نظارتی درخصوص نحوه عملکرد و میزان اثربخشی آنها به‌عمل نمی‌آید. در همین مورد ایران و روسیه حجم بالایی از توافقات میان دو کشور از بیش از یک قرن پیش تاکنون منعقد کرده‌اند که به تصویب مجالس قانونگذار نیز رسیده است اما در عمل اتفاق ملموسی را شاهد نیستیم و هنوز سطح روابط دو کشور در حد مطلوب قرار ندارد. درحالی‌که دو کشور به‌دلیل اشتراکات مختلف می‌توانستند مودت فیما بین را در روابط دوجانبه به حداکثر برسانند، اما این امر بنا به علل مختلفی تاکنون عملی نشده است.

از این‌رو مجلس شورای اسلامی بر مبنای وظیفه نظارتی خود بر انعقاد توافقات بین‌المللی و مراحل اجرای آن به استناد اصول هفتادوششم، هشتادوهشتم و هشتادونهم قانون اساسی، گزارش‌های لازم را درخصوص عملکرد و اثربخشی این موافقتنامه‌ها از طرف وزارت امور خارجه و دیگر وزارتخانه‌های تخصصی دریافت کند.

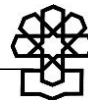
از سوی دیگر، با توجه به اینکه معاهدات و موافقتنامه‌ها پیش از ارائه به مجلس، توسط نمایندگان از دولت و سایر کشورها تنظیم و توافق می‌شوند، عموماً امکان بازنگری متون آنها در مجلس به‌راحتی میسر نیست. بنابراین لازم است مجلس شورای اسلامی برای ایفای صحیح وظایف قانونی خود قواعد و چارچوب‌های لازم برای انعقاد توافقات بین‌المللی را به گونه‌ای تصویب کند، تا امکان و فرصت اعمال نظرات و توصیه‌های مجلس هم فراهم باشد. لذا پیشنهاد می‌شود برای در نظر گرفتن توصیه‌های عمومی مجلس در تنظیم موافقتنامه‌ها (نظیر قید کردن لزوم اخذ مصوبه مجلس در

بازنگری‌های بعدی موافقتنامه‌ها) هماهنگی کلی بین دولت و مجلس صورت پذیرد. شایان ذکر است که این نقش را قوه مجریه با تصویب «آیین‌نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافق‌های بین‌المللی» (مصوب ۱۳۷۱) به‌جای مجلس شورای اسلامی ایفا کرده است. بنابراین پیشنهاد می‌شود مجلس در راستای ایفای صلاحیت‌های ذاتی خود و تبیین نقشه راه قوه مجریه، قانون مورد نیاز را در این خصوص به تصویب برساند.

لذا در وضعیت فعلی تا رسیدن به اصلاح رویه‌ها، باید برای موافقتنامه‌ها و معاهدات الحاقیه‌هایی تهیه و با موافقت طرف خارجی تصویب کرد که در جهت تکمیل و رفع ابهامات و نواقص باشد.

منابع و مآخذ

۱. آیین‌نامه اماکن عمومی (مصوب هیئت وزیران، ۱۳۶۳).
۲. آیین‌نامه اجرایی تأسیس مراکز، مؤسسات، کانون‌ها و انجمن‌های فرهنگی و هنری خارجیان مقیم ایران (مصوب هیئت وزیران، ۱۳۸۱).
۳. آیین‌نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافق‌های بین‌المللی (مصوب هیئت وزیران، ۱۳۷۱).
۴. ضوابط و مقررات تأسیس مراکز، مؤسسات، کانون‌ها و انجمن‌های فرهنگی و نظارت بر فعالیت‌های آنها (مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۵).
۵. پایگاه خبری تسنیم، <https://www.tasnimnews.com/>
۶. پایگاه خبری مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، <https://rc.majlis.ir/>
۷. سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران، <https://qavanin.ir/>
۸. قانون «معاهده اساس روابط متقابل و اصول همکاری بین جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه» (مصوب ۱۳۷۹).
۹. قانون «موافقتنامه فرهنگی بین دولت شاهنشاهی [مخلوع] ایران و دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی [فدراسیون روسیه فعلی]» (مصوب ۱۳۴۶).
۱۰. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.



عنوان: لایحه موافقتنامه تأسیس و چارچوب فعالیت مراکز فرهنگی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه

ماده واحد- موافقتنامه تأسیس و چارچوب فعالیت مراکز فرهنگی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه مشتمل بر یک مقدمه و هجده ماده به شرح پیوست که تأیید شده به مهر دفتر هیئت دولت است، تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می‌شود.

متن موافقتنامه: موافقتنامه تأسیس و چارچوب فعالیت مراکز فرهنگی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه

دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه که از این پس «طرف‌ها» نامیده خواهند شد، با هدف تقویت روابط فرهنگی، دوستی و همکاری متقابل، با اعلان نظر به موافقتنامه فرهنگی ۳۱ مرداد ۱۳۴۵ هجری شمسی (۲۲ اوت ۱۹۶۶ میلادی) که همچنان بین جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه لازم‌الاجرا می‌باشد و معاهده اساس روابط متقابل و اصول همکاری بین جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه مورخ، ۲۲ اسفند ۱۳۷۹ (۱۲ مارس ۲۰۰۱ میلادی)، در خصوص موارد زیر به توافق رسیدند.

ماده (۱)

۱. طرف ایرانی، مرکز فرهنگی ایران را در مسکو و طرف روسی، مرکز فرهنگی روسیه را در تهران تأسیس می‌کنند که از این پس «مراکز» نامیده خواهند شد.
۲. طرف‌ها می‌توانند با توافق متقابل از طریق مجاری دیپلماتیک نسبت به تأسیس دفاتر محلی مراکز در سایر شهرهای دولت پذیرنده طبق قوانین آن اقدام نمایند.
۳. فعالیت مراکز براساس مفاد این موافقتنامه، و موازین حقوق بین‌الملل خواهد بود و طبق قوانین دولت پذیرنده انجام خواهد شد.

ماده (۲)

۱. مرکز فرهنگی ایران در شهر مسکو تحت نظارت کلی رئیس نمایندگی دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران در فدراسیون روسیه فعالیت‌های خود را انجام خواهد داد.
۲. مرکز فرهنگی ایران در مسکو توسط سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی جمهوری اسلامی ایران مدیریت خواهد شد.
۳. مرکز فرهنگی روسیه در شهر تهران تحت نظارت کلی رئیس نمایندگی دیپلماتیک فدراسیون روسیه در جمهوری اسلامی ایران، فعالیت خواهد کرد.
۴. مرکز فرهنگی روسیه در تهران توسط آژانس فدرال در امور کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، هموطنان خارج از کشور و همکاری‌های بشردوستانه بین‌المللی مدیریت خواهد شد.

ماده (۳)

۱. مراکز در راستای انجام فعالیت‌های خود، می‌توانند با نهادهای اجرایی دولتی، مراجع محلی و سازمان‌ها، بدون توجه به شکل سازمانی و حقوقی یا نوع مالکیت آنها و همچنین افراد در چارچوب قوانین و مقررات دولت پذیرنده، ارتباطات مستقیم برقرار نمایند.

۲. مراکز می‌توانند رویدادها را خارج از اماکن خود و در سایر شهرهای دولت پذیرنده طبق قوانین آن برگزار کنند.

ماده (۴)

مراکز طبق قوانین دولت پذیرنده از حقوق شخصیت حقوقی برخوردار خواهند بود.

ماده (۵)

۱. وظایف اصلی مراکز عبارتند از:

۱-۱. شرکت در اجرای برنامه‌های همکاری دوجانبه در زمینه‌های بشردوستانه، فرهنگی، علمی و فنی، و اطلاع‌رسانی.
 ۲-۱. شرکت در اجرای خط‌مشی‌های کشور خود در زمینه حمایت از هموطنان خارج از کشور با هدف تأمین حقوق و منافع اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و دیگر حقوق و منافع قانونی آنها، تسهیل همبستگی روزافزون آنها، حفظ زبان مادری، هویت ملی و فرهنگی و توسعه ارتباطات همه‌جانبه بین سازمان‌های کشور خود با هموطنان خارج از کشور از جمله تشکل‌های آنها؛

۳-۱. آشناسازی مردم دولت پذیرنده با تاریخ و فرهنگ، سیاست داخلی و خارجی و نیز تحولات اجتماعی و اقتصادی کشور خود؛

۴-۱. تسهیل تماس و همکاری‌های گسترده‌تر بین مؤسسات و سازمان‌های دولت‌های پذیرنده در زمینه‌های فرهنگ، هنر و ادبیات؛

۵-۱. ارتقای مطالعه زبان‌های مردمان دولت‌های پذیرنده؛

۶-۱. استفاده از ظرفیت‌های مراکز در زمینه‌های فضای مجازی، اطلاع‌رسانی و رسانه‌های جمعی در جهت ایجاد شرایط مساعد برای همکاری‌های گسترده‌تر در زمینه‌های فرهنگی و هنری بین دولت‌های پذیرنده؛

۷-۱. تسهیل ایجاد و گسترش همکاری‌های فرهنگی بین شهرها و نواحی دو کشور در چارچوب خواهرخواندگی شهرها و انجمن‌های دوستی؛

۸-۱. سازماندهی فعالیت‌های خبری، تبلیغی و آموزشی در زمینه‌های فرهنگ، هنر و ادبیات.

ماده (۶)

۱. مراکز طبق وظایفی که برعهده آنها نهاده شده است:

۱-۱. بانک‌های داده‌های خبری و مرجع مربوط به پیشرفت‌های فرهنگی، هنرهای زیبا، علمی و فنی، اجتماعی و سیاسی، اقتصادی و دستاوردهای هنری کشورهای خود را ایجاد نموده، فراهمایی‌ها، هم‌نشست‌ها و هم‌اندیشی‌ها و مشورت‌هایی را در خصوص مسائل همکاری فرهنگی بین‌المللی برگزار خواهند کرد؛

۲-۱. تحقیق در زمینه مطالعات ایران‌شناسی در فدراسیون روسیه و مطالعات روسیه‌شناسی در جمهوری اسلامی ایران را ارتقا خواهند داد؛



- ۳-۱. از برقراری ارتباط سازمان‌ها و افراد علاقه‌مند در دولت پذیرنده با سازمان‌های فرهنگی و هنری کشورهای خود حمایت اطلاعاتی و مشورتی نموده و چنین روابطی را حفظ خواهند کرد؛
- ۴-۱. برای هموطنانی که در دولت پذیرنده اقامت دائم دارند، فعالیت‌های فرهنگی، آموزشی و اطلاع‌رسانی را ترتیب داده، ارتباط با تشکل‌های آنان را حفظ و این تشکل‌ها را مورد حمایت قرار خواهند داد؛
- ۵-۱. اجرای گروه‌های هنری و مجریان منفرد و نمایش‌های تلویزیونی و سینمایی را ترتیب خواهند داد؛
- ۶-۱. جشنواره‌های فرهنگی و هنری، هفته‌های فرهنگی و سینما، نمایشگاه‌های عکس، هنرهای زیبا، هنر بومی، کتاب و سایر نمایشگاه‌ها را برگزار خواهند کرد؛
- ۷-۱. به ترجمه و انتشار آثار ادبی داستانی و علمی به صورت چاپی و الکترونیکی کمک خواهند کرد؛
- ۸-۱. مسابقات گوناگون علمی، فرهنگی، ادبی و هنری و مسابقات همراه با اعطای جوایز به برندگان را برگزار خواهند کرد؛
- ۹-۱. انجمن‌ها و باشگاه‌ها و شوراهای فرهنگی و عمومی را در حوزه‌های گوناگون با جلب مشارکت فعالان برجسته در حوزه فرهنگ و هنر، نمایندگان جوامع محلی و همچنین نمایندگی‌های خارجی و سازمان‌های دولت پذیرنده ایجاد خواهند کرد؛
- ۱۰-۱. دوره‌هایی را برای آموزش زبان‌های ملی و فرهنگ‌های مردم کشور خود برگزار خواهند کرد و به پژوهشگران و استادان زبان و ادبیات که در مؤسسات علمی و آموزشی دولت پذیرنده مشغول به فعالیت هستند، به طور نظام‌مند کمک خواهند کرد.
- ۱۱-۱. در زمینه اعطای راتبه (بورسیه) تحصیلی، گزینش و اعزام شهروندان دولت پذیرنده به کشور خود جهت تحصیل مساعدت خواهند کرد؛
- ۱۲-۱. فعالیت انجمن‌ها و باشگاه‌های فارغ‌التحصیلان مؤسسات آموزشی کشور خود در دولت پذیرنده را تسهیل، و به حفظ ارتباطات بین انجمن‌ها و باشگاه‌های مزبور و مؤسسات آموزشی مربوط کمک خواهند کرد و نیز هم‌نشست‌هایی را برای فارغ‌التحصیلان در دولت پذیرنده ترتیب خواهند داد؛
- ۱۳-۱. از فعالیت کتابخانه‌های مراکز و سایر خدمات اطلاعاتی برای سازمان‌ها و افراد علاقه‌مند در دولت پذیرنده حمایت خواهند کرد؛
- ۱۴-۱. ضمن استفاده از ظرفیت فضای مجازی جهت معرفی کشور، زبان، ادبیات و فرهنگ خود، فعالیت‌های فرهنگی، هنری و اطلاع‌رسانی را در فضای مذکور انجام خواهند داد؛
- ۱۵-۱. با سازمان‌های غیردولتی، تشکل‌ها و انجمن‌های دوستی، مؤسسات آموزشی و فرهنگی - هنری دولت پذیرنده و مراکز فرهنگی و اطلاع‌رسانی کشورهای ثالث همکاری خواهند کرد؛
- ۱۶-۱. فعالیت‌های دیگری را در راستای اهداف مراکز طبق قوانین دولت پذیرنده انجام خواهند داد.

ماده (۷)

۱. طرف‌ها تا حد امکان دسترسی بدون مانع عمومی به رویدادهایی را که مراکز برگزار می‌کنند فراهم خواهند آورد.
۲. طرف‌ها اقدامات مقتضی را برای تأمین امنیت اماکن مراکز، کارکنان مستقر در این اماکن و نیز رویدادهایی که مراکز برگزار می‌کنند، اتخاذ خواهند کرد.

ماده (۸)

۱. مراکز، سازمان‌های تجاری نخواهند بود. در عین حال مراکز به منظور پوشش بخشی از هزینه‌های مربوط به نگهداری و فعالیت آنها، می‌توانند هزینه موارد زیر را دریافت نمایند:

۱-۱. بازدید از رویدادهایی که توسط مراکز میزبانی می‌شوند؛

۲-۱. شرکت در دوره‌های آموزشی آنها و فعالیت‌های دیگر؛

۳-۱. فروش نشریات دوره‌ای، کالانماها (کاتالوگ)، اعلان‌ها (پوستر)، برنامه‌ها، کتاب‌ها، تابلوها و تکثیر نشریات، محصولات دیداری و شنیداری صرف‌نظر از روش ذخیره اطلاعات و همچنین محصولات دیگر که ارتباط مستقیمی با رویدادهایی که برگزار می‌کنند، دارند، مشروط بر اینکه این امر قواعد تجاری، قوانین مالیاتی یا دیگر قوانین دولت پذیرنده و حقوق مالکیت معنوی را نقض ننماید.

۲. مراکز همچنین می‌توانند در اماکن خود غرفه‌های فروش کتاب، سوغات، چایخانه (کافه) و قهوه‌خانه (کافه تریا) برای مراجعه‌کنندگان داشته باشند.

ماده (۹)

۱. طرف‌ها براساس اصل رفتار متقابل در زمینه انتخاب قطعه زمین و همچنین اجاره، خرید و احداث بناها (اماکن) برای مراکز، براساس قوانین دولت پذیرنده به یکدیگر مساعدت خواهند کرد.

۲. طراحی، ساخت و بهبود بناهای (اماکن) مراکز پس از دریافت مجوزهای لازم توسط طرف اعزام کننده، براساس مقررات شهرسازی دولت پذیرنده انجام خواهد شد. طرف اعزام کننده همچنین می‌تواند با صلاحدید خود پیمانکارانی را برای انجام کارهای مربوطه تعیین نماید.

ماده (۱۰)

نظام مالیاتی حاکم بر مراکز و کارکنان آن براساس قوانین ملی دولت پذیرنده و موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه به‌منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی در مورد مالیات بر درآمد و سرمایه مورخ ۱۴ اسفند ۱۳۷۶ برابر با ۵ مارس ۱۹۹۸ خواهد بود.

ماده (۱۱)

۱. هریک از طرف‌ها کارکنان لازم برای مرکز خود را استخدام خواهد کرد. کارکنان می‌توانند شامل شهروندان کشور اعزام کننده، دولت پذیرنده یا کشور ثالث باشند.

۲. رؤسای مراکز و معاونان آنها شهروند کشور اعزام کننده خواهند بود و می‌توانند از وضعیت دیپلماتیک برخوردار باشند.

۳. طرف‌ها یکدیگر را از استخدام کارکنان مراکز و همچنین آغاز به کار کارکنان و پایان کار آنها در مراکز مطلع خواهند کرد.

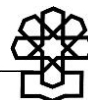
ماده (۱۲)

۱. کارکنان مراکز و اعضای خانواده آنها که شهروند کشور اعزام کننده هستند و سکونت دائم در دولت پذیرنده ندارند، مشمول قانون کار کشور اعزام کننده خواهند بود.

۲. سایر کارکنان مراکز مشمول قانون کار دولت پذیرنده خواهند بود.

ماده (۱۳)

۱. هریک از طرف‌ها براساس اصل رفتار متقابل، طبق قوانین ملی کشور خود، مرکز طرف دیگر را از پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی درخصوص وسایل وارد شده به شرط تعهد به برگشت آنها معاف خواهد کرد، مشروط بر اینکه وسایل وارد شده برای انجام فعالیت‌های مرکز به موجب این موافقتنامه ضروری باشند.



۲. مالکیت وسایلی که به صورت موقت توسط مراکز به قلمرو دولت پذیرنده وارد شده‌اند، تنها پس از پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی و انجام دیگر الزامات مقرر در قوانین دولت پذیرنده قابل واگذاری است.

ماده (۱۴)

۱. هریک از طرف‌ها طبق قوانین ملی کشور خود به کارکنان مرکز طرف دیگر و اعضای خانواده آنها که با آنها زندگی می‌کنند، اجازه می‌دهند در طول کل مدت فعالیت در مرکز، وسایل شخصی، خانوادگی و خانه و سایر نیازها را که به فعالیت‌های کسب‌وکاری مربوط نمی‌شوند با معافیت از پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی وارد کنند.

۲. مالکیت وسایل مذکور تنها پس از پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی پیش‌بینی شده در قوانین دولت پذیرنده و انجام دیگر الزامات قوانین گمرکی دولت پذیرنده در قلمرو دولت پذیرنده قابل واگذاری است.

۳. این ماده شامل کارکنان مراکز که شهروند دولت پذیرنده هستند یا افرادی که اقامت دائم در قلمرو آن دارند، نخواهد شد.

ماده (۱۵)

هریک از طرف‌ها طبق قوانین ملی کشور خود و براساس اصل رفتار متقابل، در کوتاه‌ترین زمان ممکن برای کارکنان اعزامی مرکز طرف دیگر و اعضای خانواده آنها که با آنها زندگی می‌کنند روادید و همچنین در صورتی که قوانین دولت پذیرنده ایجاب کند، پروانه اقامت صادر خواهند کرد.

ماده (۱۶)

۱. هریک از طرف‌ها، در صورت مقتضی، در زمینه انتخاب اماکن مسکونی برای کارکنان مرکز طرف دیگر کمک خواهد کرد.
۲. هریک از طرف‌ها در چارچوب اختیارات موجود در دریافت مجوزهای لازم از مراجع محلی برای فعالیت مراکز، به مراکز مساعدت خواهند کرد.

ماده (۱۷)

هرگونه اختلاف‌نظر در خصوص تفسیر یا اجرای این موافقتنامه، با مذاکره بین طرف‌ها از طریق مجاری دیپلماتیک حل‌وفصل خواهد شد.

ماده (۱۸)

۱. این موافقتنامه از تاریخ دریافت آخرین اطلاعیه کتبی از طریق مجاری دیپلماتیک مبنی بر تکمیل تشریفات داخلی لازم برای اجرایی شدن آن توسط طرف‌ها، لازم‌الاجرا خواهد شد.

۲. این موافقتنامه برای مدت ۵ سال منعقد خواهد شد. این موافقتنامه برای دوره‌های ۵ ساله بعدی، به صورت خودکار تمدید خواهد شد، مگر اینکه یکی از طرف‌ها حداقل ۶ ماه پیش از پایان اعتبار دوره مربوطه، طرف دیگر را به صورت مکتوب از طریق مجاری دیپلماتیک از قصد خود برای فسخ آن مطلع سازد.

این موافقتنامه در تهران در تاریخ ۲۴ فروردین ماه سال ۱۴۰۰ هجری شمسی برابر با ۱۳ آوریل ۲۰۲۱ میلادی در دو نسخه به زبان‌های فارسی، روسی و انگلیسی امضا گردید که همه متن‌ها از اعتبار یکسانی برخوردار هستند. در صورت بروز هرگونه اختلاف‌نظر در تفسیر مفاد این موافقتنامه، متن انگلیسی ملاک عمل خواهد بود.